

هفتمین نشست «کنوانسیون تهران» در شرایطی

برگزار می‌شود که تراز خزر همچنان روبه‌کاهش است

خزر زیر موج

بحران‌ها

■ مدیرکل دفتر حفاظت از زیست‌بوم‌ها؛ کاهش تراز خزر می‌تواند در سال‌های آینده بخش بزرگی از زیستگاه‌های ساحلی را دستخوش تغییر کند



مالک و ناظر روی یک صندلی

«پیام ما» گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس درباره سلامت شرکت‌های دولتی و نقش حکمرانی شرکتی را بررسی می‌کند

| یادداشت |

در فراسوی رودخانه

چطور اصفهان در حضور وی حضور زاینده‌رود شهر دیگری است؟

انکارناپذیر از هویت مکانی اصفهان محسوب می‌شود. از این رو، در زمان واکاوی هویت مکانی شهری چون اصفهان، پرداختن به بناهای تاریخی باشکوه یا خطرات جمعی کفایت نمی‌کند و باید رابطه روزمره مردم با آب، کیفیت فضای عمومی، باغ‌ها، مادی‌ها، پل‌ها و حتی اقلیم محلی را نیز بررسی کرد. در چنین تعریفی آشکار می‌شود که خشک‌شدن رودخانه چیزی بیش از یک فاجعه زیست‌محیطی است و آن را باید تغییر و دست‌کاری در شخصیت تاریخی شهر نیز به شمار آورد. این رخداد به‌ظاهر چرخه هیدرولوژیک شهر را دگرگون می‌کند، اما واقعیت آن است که به تعبیر «ترزه تودت»، استاد برجسته دانشگاه برگن، این «چرخه هیدروسوشیال» [۲] است که در یک شهر با تغییرات در وضعیت منابع آب دچار تحول می‌شود. در حقیقت، آب از طریق فناوری، قوانین، نهادها، روابط قدرت و الگوهای مصرف وارد زندگی اجتماعی می‌شود و هرگونه دست‌کاری، چه به شکل سد کردن جریان آب یا رهاسازی فصلی یا تغییر مسیر و انشعاب، منجر به تبعات پیچیده اجتماعی می‌شود که اغلب از چشم سیاست‌گذاران پنهان می‌ماند. رودخانه‌ای که تنها در مقاطع کوتاه و براساس تصمیم‌های مدیریتی آب‌گیری می‌شود، دیگر قادر نخواهد بود عنصر سازمان‌دهنده حیات شهری باشد و به موضوعی وابسته به تصمیم‌های اداری و خواسته‌های سیاسی تبدیل می‌شود. در این وضعیت، جامعه دیگر نمی‌تواند همان رابطه تاریخی را با رودخانه برقرار کند و پیوند میان ریتم طبیعی آب و ریتم اجتماعی شهر از میان می‌رود. همان‌طور که آشکار است، زاینده‌رود امروز دیگر مانند گذشته در قالب یک نظام هماهنگ میان کشاورزی، شهر، صنعت و محیط‌زیست تبادیل نمی‌شود و وارد شبکه‌ای پیچیده‌تر از رقابت‌های نهادی، منازعات استانی، برداشت‌های متنوع - و گاه غیرشفاف - و تصمیم‌های بخشی شده است که به گسست میان جامعه و آب انجامیده است. منظور از این گسست، فرایندی است که در آن پیوند تاریخی، نهادی، کالبدی، فرهنگی و اکولوژیک میان یک جامعه و نظام آب آن تضعیف یا از هم گسسته می‌شود.

■ حکمرانی در تعادل میان دو چرخه

در گذشته، جریان طبیعی رودخانه، نظام سنتی حق‌آبه، شبکه مادی‌ها، میراث‌ها، باغ‌های شهری و اراضی کشاورزی از سرچشمه تا پایاب، اجزای یک چرخه واحد را تشکیل می‌دادند. آب پس از ورود به رودخانه از طریق سازوکارهای اجتماعی توزیع می‌شد. بخشی از آن به مصرف شرب، کشاورزی و صنعت می‌رسید و بخشی به‌عنوان سهم «گاوخونی» وارد این تالاب می‌شد و دوباره به چرخه طبیعت بازمی‌گشت. در این شرایط، چرخه هیدرولوژیک و چرخه هیدروسوشیال یکدیگر را تکمیل می‌کردند، اما در چند دهه اخیر این پیوند به‌تدریج گسسته شده است. کاهش آورد طبیعی ناشی از تغییرات اقلیمی و خشکسالی، بخشی از چرخه هیدرولوژیک را دگرگون کرده است، اما شرایط کنونی صرفاً پیامد این کاهش نیست. آنچه وضعیت را بحرانی کرده، در حقیقت تغییر هم‌زمان در چرخه هیدروسوشیال است؛ یعنی دگرگونی در شیوه تخصیص، مدیریت و بهره‌برداری از آب که بیش از آنکه به خواست طبیعت مرتبط باشد، یک تصمیم در حوزه سیاست‌گذاری است. از این منظر میزان



امیرا درشتی

پژوهشگر سیاست‌گذاری آب

تاریخ شهر و آب در هم تنیده است و همه شهرها، بدون استثنا، برای بقا وابسته به آب هستند. فارغ از ثروت، مذهب و جایگاه اجتماعی، همه شهروندان به آب نیاز دارند و دسترسی به آب نیز از یک‌سو یا سازمان‌دهی اجتماعی و از طرف دیگر با شبکه‌های انتقال، لوله‌ها، کانال‌ها، مخازن، رودخانه‌ها و فناوری‌های مشابه تأمین می‌شود. به این اعتبار، آب شاید تنها منبع حیاتی باشد که باید هم‌زمان از لحاظ اجتماعی سازمان‌دهی و از جهت فنی مدیریت شود. همین ویژگی‌ها باعث شده است که کنترل و توزیع آب در طول تاریخ، یکی از مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده قدرت، نابرابری و سازمان‌دهی شهرها باشد. هیچ دو شهری از نظر هیدرولوژیک یکسان نیستند و تفاوت در نظام هیدرولوژیک، بخشی از شخصیت تاریخی، فضایی و نهادی هر شهر را می‌سازد. تفاوت در الگوی بارش، تبخیر، رودخانه‌ها، آب‌های زیرزمینی، دریاچه‌ها، یخچال‌های طبیعی یا دسترسی به دریا باعث می‌شود که هر شهر چشم‌انداز آبی ویژه خود را داشته باشد. چشم‌انداز آبی مجموعه ویژگی‌های طبیعی و اجتماعی مرتبط با آب در یک سرزمین است که شرایط زندگی و توسعه شهر را تعیین می‌کند. تفاوت در چشم‌انداز آبی شهرها، زیرساخت‌های فنی مورد نیاز آن‌ها را متفاوت می‌کند و هم‌زمان بر حس مکان [۱] نیز تأثیر می‌گذارد. تفاوت در چشم‌اندازهای آبی به‌طور بنیادین شخصیت شهرها و احساس تعلق به مکان را تعریف می‌کند. به عبارت دیگر هویت شهری علاوه بر معماری و فرهنگ، محصول نظام آبی شهر نیز هست. شهری که در کنار رودخانه‌ای دائمی شکل گرفته، تجربه‌ای کاملاً متفاوت از شهری دارد که به آب زیرزمینی یا آب‌شیرین‌کن وابسته است. براین اساس، پیدایش شهرها و شیوه‌های شهروندپسینی نتیجه فرایند طولانی سازگاری با ویژگی‌های هیدرولوژیک آن مکان است. رودخانه، چشمه، دریاچه و دریا تعیین می‌کنند شهر چگونه رشد کند، جمعیت آن تا چه اندازه افزایش یابد، چه نوع اقتصادی شکل بگیرد و چه زیرساخت‌هایی در آن ایجاد شود.

■ رودخانه به‌مثابه هویت مکانی

اصفهان نمونه‌ای شناخته‌شده برای سخن گفتن درباره شهری است که بدون شناخت نظام آبی آن نمی‌توان درباره هویتش سخن گفت. شهر در قلب فلات مرکزی ایران قرار دارد؛ جایی که از نظر اقلیمی خشک است و به‌طور طبیعی ظرفیت محدودی برای استقرار جمعیت انبوه دارد. آنچه امکان شکل‌گیری یکی از بزرگ‌ترین شهرهای تاریخی ایران را فراهم کرد، وجود رودخانه «زاینده‌رود» بود. این رودخانه شرایط لازم برای کشاورزی، باغ‌سازی، تغذیه آبخوان‌ها، شکل‌گیری بازارها، توسعه صنایع دستی و ایجاد محورهای شهری را فراهم کرد. به همین دلیل، اگر زاینده‌رود را از تاریخ اصفهان حذف کنیم، بخش مهمی از منطق پیدایش شهر نیز از بین خواهد رفت و این رود جزئی

مدیرعامل «انجمن فرهنگی، ورزشی و گردشگری

معلولان پارس» در گفت‌وگو با «پیام ما» مطرح کرد



چهره‌مدان

[۳]

| هیرات |

سنگ‌نگاره‌های «جربت»؛ موزه‌ای در بادها

در امتداد یک دره سیلابی ایجاد شده‌اند. در این محوطه حدود یکصد تخته‌سنگ با ابعاد مختلف وجود دارد که برخی از آن‌ها چندین تن وزن دارند. به گفته او، سطح بسیاری از این سنگ‌ها در طول زمان تیره شده و نقوش با روش کوبش و ایجاد فرورفتگی روی بدنه سنگ شکل گرفته‌اند. در میان این آثار، نقوش انسانی و حیوانی، گیاهی، ابزار و وسایل، اشکال هندسی، علامت و نشانه‌ها و همچنین کتیبه‌هایی به زبان‌های فارسی و عربی دیده می‌شود.

طالبی با اشاره به تنوع نقوش حیوانی در این محوطه خاطرنشان کرد: «بخش قابل‌توجهی از سنگ‌نگاره‌های جربت را تصاویر جانوران تشکیل می‌دهد. کل و بز قوچ و میش، شتر، اسب و دیگر گونه‌های جانوری در میان این نقوش دیده می‌شوند و تصاویری از یوزپلنگ نیز در این مجموعه وجود دارد که از نظر مطالعات تاریخی و زیست‌محیطی اهمیت ویژه‌ای دارد.»

او تصریح کرد: «وجود نقوش یوزپلنگ در سنگ‌نگاره‌های جربت، در کنار مشاهده این گونه در «پناهگاه حیات‌وحش میاندشت» جاجر، از منظر مطالعه پیشینه حضور این جانور در منطقه قابل‌توجه است و نشان می‌دهد که ارتباط این زیست‌بوم با یوزپلنگ می‌تواند سابقه‌ای طولانی داشته باشد. البته تعیین دقیق قدمت هر نقش و ارتباط آن با دوره‌های تاریخی مشخص، نیازمند مطالعات تخصصی و بررسی‌های علمی است.»

مسئول میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان جاجر، هنر صخره‌ای را یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های ثبت تصویر و نشانه توسط انسان می‌داند و می‌گوید: «این آثار بخشی از تاریخ مکتوب‌نشده جوامع گذشته هستند و می‌توانند اطلاعات ارزشمندی درباره محیط طبیعی، جانوران، شیوه‌زندگی، باورها و فعالیت‌های انسانی در اختیار پژوهشگران قرار دهند.»



سیدمحمد رسول حسینی

اخبرنگار

جاجر را می‌توان یکی از مهم‌ترین شهرستان‌های خراسان شمالی از نظر برخورداری از آثار تاریخی و فرهنگی دانست؛ سرزمینی که پیشینه تاریخی آن در بناها، محوطه‌ها و نشانه‌های برجای‌مانده از دوره‌های مختلف، همچنان در گوشه‌وکنار آن قابل مشاهده است. در حال حاضر ۹۰ اثر تاریخی و فرهنگی شهرستان جاجر در «فهرست آثار ملی» به ثبت رسیده که از این تعداد، ۳۸ اثر را بناهای تاریخی تشکیل می‌دهند؛ آثاری که جاجر را در شمار شهرستان‌های دارای بیشترین آثار و بناهای تاریخی ثبت‌شده در فهرست آثار ملی خراسان شمالی قرار داده است.

این حجم از میراث تاریخی نشان می‌دهد که جاجر تنها یک محدوده جغرافیایی در شمال شرق ایران نیست، بلکه بخشی از تاریخ و فرهنگ «خراسان بزرگ» در این سرزمین شکل گرفته و در گذر زمان به‌صورت بناها، محوطه‌ها و نشانه‌های تاریخی به‌امروز رسیده است. در میان این میراث، سنگ‌نگاره‌ها جایگاه متفاوتی دارند؛ آثاری که به‌جای دیوار و سقف، روایت خود را بر پیکره سنگ‌ها ثبت کرده‌اند. انسان‌های دوره‌های گذشته، بخشی از زندگی، باورها، محیط پیرامون و دنیای خود را با نقش‌کردن انسان، حیوان، ابزار نشانه‌ها و نمادها بر سنگ‌ها به یادگار گذاشته‌اند؛ تصاویری که با وجود گذشت زمان، همچنان در برابر فرسایش طبیعت پابرجا مانده‌اند. در شهرستان جاجر، یکی از جلوه‌های ارزشمند هنر صخره‌ای را می‌توان در سنگ‌نگاره‌های جربت مشاهده کرد؛ مجموعه‌ای تاریخی که در پنج کیلومتری شمال شرق روستای جربت از توابع بخش سنخواست قرار گرفته و تخته‌سنگ‌های آن، مجموعه‌ای از نقوش و کتیبه‌ها را در خود جای داده‌اند.

سنگ‌نگاره‌های جربت بخشی از تاریخ مکتوب‌نشده این سرزمین است؛ تصاویری که از دل طبیعت برخاسته‌اند و اطلاعاتی درباره زندگی انسان، جانوران، محیط طبیعی و ارتباط جوامع گذشته با زیست‌بوم منطقه در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند.

در میان این نقوش، تصاویر متنوعی از جانورانی همچون کل و بز قوچ و میش، شتر و اسب دیده می‌شود و وجود نقش یوزپلنگ نیز بر اهمیت این محوطه افزوده است؛ موضوعی که از منظر مطالعه پیشینه حضور این گونه در منطقه نیز قابل‌توجه است.

«محمد رضا طالبی»، مسئول میراث‌فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری شهرستان جاجر، درباره این محوطه تاریخی می‌گوید: «سنگ‌نگاره‌های جربت مجموعه‌ای گسترده از نقوش و کتیبه‌هایی است که روی تخته‌سنگ‌های پراکنده

ناوگان فرسوده اورژانس در کهگیلویه و بویراحمد

وعده‌های بر زمین مانده
وزارت بهداشت در بن بست
جاده‌های کوهستانی

۳

طرح الحاق حریم درجه ۲۴
«تخت جمشید» به شهر
مرودشت بازنگری می‌شود

۶

هیرکانی، آزمون دوباره اعتماد

ابهام در سازوکار مشارکت مردم و
نگرانی درباره نظارت بر برداشت درختان،
مقوله‌های برجسته در نشست هم‌اندیشی
درباره جنگل‌های هیرکانی بودند

۴

| یادداشت |

حفاظت از محیط‌زیست
با ممنوعیت
پیش نمی‌رود

اپوریا سپهوند

حفاظت‌نگار

۴

| یادداشت |

انسان، پناهنده
داستان است

علی ملازاده

روزنامه‌نگار

۸

موفقیت حکمرانی آن را می‌توان در چگونگی برقراری تعادل میان این دو چرخه جست‌وجو کرد.

موضوع دیگری که به‌وضوح چرخه هیدروسوشیال را تغییر می‌دهد، انتقال از میان‌حوزه‌ای است که در دهه‌های اخیر عمدتاً به شکل پروژه‌های عظیم مهندسی روی میز سیاست‌گذاران قرار گرفته و با استقبال از آن به نظر رسیده است که دست‌کم به‌طور مقطعی، بحران‌های آب حل‌وفصل شده است. ورود آب از حوضه‌های دیگر، مانند تونل‌های انتقال از سرشاخه‌های «کارون» و خروج آب از پروژه‌ها به حوضه‌های دیگر، به‌ظاهر جابه‌جایی‌های فیزیکی عظیمی بودند که به کارنامه‌های افتخاری برای مهندسان و دولت‌ها مبدل شده‌اند، اما کمتر کسی به این مسئله پرداخته است که چنین اقداماتی در چشم‌انداز بلندمدت‌تر به معنای ورود بازنگران جدید، شکل‌گیری حقوق جدید، تغییر روابط قدرت و بازتعریف اولویت‌های تخصیص آب است که امروزه سبب افزایش پیچیدگی سامانه شده است؛ زیرا هر انتقال آبی، مجموعه‌ای از دی‌نفهان جدید را وارد چرخه می‌کند و تعادل تاریخی میان عرضه و تقاضا را دگرگون می‌کند. پرسش اصلی در این رابطه این نیست که انتقال آب درست است یا نادرست؛ چرا که به هنگام طرح چنین پرسشی، بسیاری به پروژه‌های عظیم انتقال آب در کشورهای توسعه‌یافته اشاره می‌کنند و آن را سندی بر کارآمدی این راهکار می‌دانند. با این حال، به‌عنوان پژوهشگر اجتماعی و سیاست‌گذار لازم است پرسیده شود: آیا این مداخلات توانسته‌اند رابطه‌ای پایدار میان چرخه هیدرولوژیک و چرخه هیدروسوشیال ایجاد کنند یا خیر؟ اگر انتقال آب تنها عرضه فیزیکی را افزایش دهد، اما نهادهای تخصیص، حقوق دی‌نفهان و نیازهای زیست‌محیطی را بازتظیم نکند، در واقع شکاف میان دو چرخه را عمیق‌تر کرده است. بحران آب در شهرها معمولاً زمانی آغاز می‌شود که رابطه تاریخی میان شهر و آب از تعادل خارج شود. اگر چرخه طبیعی آب تغییر کند، اما نهادهای اجتماعی خود را تطبیق ندهند یا چنانچه مداخلات انسانی ویژگی‌های طبیعی سامانه آبی را نادیده بگیرند، رابطه‌ای که طی قرن‌ها میان شهر و آب شکل گرفته، تضعیف می‌شود. پیامد این گسست چیزی بیش از کمبود یا بحران آب است. این وضعیت به تغییر در ساختار فضایی، اقتصاد شهری، محیط‌زیست، هویت فرهنگی و روابط اجتماعی می‌انجامد.

به این ترتیب، قطع جریان دائمی آب یک رودخانه، هویت شهر را از جهت پیوستگی و قابل‌پیش‌بینی بودن نیز دچار اختلال می‌کند. جریان مستمر آب امکان‌گیری نهادهای اجتماعی، نظام‌های تولید، الگوهای سکونت و حافظه جمعی را فراهم می‌آورد و فقدان آن، شکل دیگری از سامان روابط اجتماعی را برای شهر رقم می‌زند. به این ترتیب، جامعه دیگر نمی‌تواند همان رابطه تاریخی را با رودخانه برقرار کند. هنگامی که قواعد تاریخی تخصیص آب بی‌ثبات می‌شوند یا به‌طور مکرر تغییر می‌کنند، اعتماد اجتماعی، قابلیت پیش‌بینی و نظم نهادی نیز تضعیف می‌شود. در چنین شرایطی، آب نقش خود را به‌عنوان یک عنصر پیونددهنده و هویت‌ساز از دست می‌دهد و حتی می‌تواند به منشأ تعارض اجتماعی مبدل شود. قطعاً احیای رودخانه با روش‌هایی چون افزایش آب ورودی یا رهاسازی فصلی آن، چنین چالشی را مرتفع نخواهد کرد؛ چرا که احیای حقیقی یک رود بیش از هر چیز نیازمند بازسازی رابطه تاریخی میان شهر و آب است. هر بار فقدان رود، آن را از حافظه و تاریخ شهر می‌زداید و نظام آبی شهر در غیاب آن به صورتی دگرگونی بازتعریف می‌شود.

پانوش

Sense of place [۱]

The Hydrosocial Cycle [۲]

وعده‌های بر زمین‌مانده وزارت بهداشت در بن‌بست جاده‌های کوهستانی

ناوگان فرسوده اورژانس در کهگیلویه وبویراحمد

تداوم بحران امدادرسانی در مناطق سخت‌گذر با وجود تصویب ۳۱ پایگاه جدید، کمبود آمبولانس‌های

دو دیفرانسیل و ناکامی در تأمین منابع مالی پایدار



۱ پایگاه خودروی آرک‌مچیر



۲۲ بهمن سال ۱۴۰۴ بود که «محمدرضا ظفرقندی»، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سفری به استان کهگیلویه‌وبویراحمد داشت؛ سفری که انتظار می‌رفت اعتبارات ویژه‌ای برای رفع بخشی از کمبودهای حوزه درمان این استان به همراه داشته باشد. همان زمان «ایرنا» به نقل از ظفرقندی اعلام کرد که با توجه به فرسودگی ناوگان آمبولانس‌ها، به‌عنوان یکی از مشکلات بسیار مهم بهداشت و درمان این استان و یکی از اصلی‌ترین خدمات بهداشتی در بحران‌ها، با برنامه‌ریزی و انعقاد قرارداد با مشارکت ۵۰ درصدی وزارت بهداشت و ۵۰ درصدی استانداری‌ها، نوسازی و تقویت ناوگان اورژانس تسریع می‌شود.

وزیر بهداشت همان زمان از اجرای طرح تأمین آمبولانس‌های جدید با مشارکت ۵۰ درصدی وزارت بهداشت و ۵۰ درصدی استانداری‌ها خبر داد و گفته بود: «استان کهگیلویه و بویراحمد در حال حاضر به ۲۰ دستگاه آمبولانس جدید نیاز دارد و با همکاری استاندار محترم، این ناوگان هرچه سریع‌تر نوسازی و تکمیل خواهد شد. این حوزه با زمان حیاتی و طلایی نجات جان انسان‌ها سروکار دارد که هرگونه ارتقا در تجهیزات، ناوگان و نیروی انسانی اورژانس، به‌طور مستقیم با جان مردم گره خورده است.» ظفرقندی در آن سفر «ساختمان مرکزی اورژانس پیش‌بیمارستانی و مرکز مدیریت بحران» این استان را افتتاح کرد. مدیریت بحران و اورژانس پیش‌بیمارستانی کهگیلویه‌وبویراحمد سال‌ها بود که با فقدان یک مرکز فرماندهی مستقل و مقاوم روبه‌رو بود؛ مسئله‌ای که در حوادثی مانند سیل و زلزله، هماهنگی میان تیم‌های امدادی را با چالش جدی مواجه می‌کرد و احداث ساختمان مرکزی اورژانس و مرکز مدیریت بحران، پاسخی ساختاری به این نیاز حیاتی بود. با این حال، از زمان وعده‌های وزیر بهداشت تاکنون، مشکل مزمن آمبولانس‌های این استان همچنان حل نشده است.

خزارش |

انتقاد از حبس ظرفیت‌های تولیدی در بازارهای سنتی و عقب‌ماندگی در اشتغال‌زایی

فرار از انزوای تجاری روی کاغذ ممکن نیست

ا پیام ما | نشست کارگروه اشتغال کهگیلویه و بویراحمد در شرایطی با هشدارهای تند استاندار درباره حبس تولیدات بومی در مرزهای داخلی همراه می‌شود که تحقق تنها ۲۰ درصدی تعهدات اشتغال سال جاری و کندی ملموس دستگاه‌ها در اتصال به گمرک، شکاف میان برنامه‌ریزی‌های کلان و واقعیت میدانی استان را آشکار می‌کند. «یدالله رحمانی» با اعلام پایان دوره نظریه‌پردازی، به «دستگاه‌های متولی اقتصادی دستور می‌دهد بی‌درنگ بانک جامع داده‌های تولیدی را برای اتصال به بازارهای برون‌مرزی تدوین کنند و هم‌زمان با جذب منابع مالی بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان، رویه آماری‌سازی‌های صوری در اشتغال را متوقف سازند؛ هشدارهایی که نشان می‌دهد بدنه اجرایی استان تا خروج از نوزمرگی و پیوند واقعی با اقتصاد صادرات‌محور مسیری طولانی در پیش دارد.

استاندار کهگیلویه و بویراحمد برای شناسایی ظرفیت‌های صادراتی و اتصال به گمرک ضرب‌الاجل تعیین کرد.

به گزارش خبرنگاری «تسنیم»، یدالله رحمانی در نشست کارگروه اشتغال کهگیلویه و بویراحمد با انتقاد صریح از فقدان پیشرفت ملموس در حوزه بازگرائی خارجی اظهار داشت: «تکیه صرف بر بازارهای محلی و استانی هرگز ضربه‌الجلل برای دستگاه‌های اجرایی اعلام کرد: «دوره نظریه‌پردازی به پایان رسیده و زمان اقدام میدانی و عملیاتی فرارسیده است و باید بدانیم توسعه اقتصادی بدون پیوند با بازارهای جهانی ناممکن است.»

رحمانی با تشریح الگوهای نوین پیشرفت اقتصادی در جهان تصریح کرد: «تجربه توسعه در کشورهای پیشرفته نشان می‌دهد که این مسیر با جایگزینی واردات آزاد شده و با توسعه صادرات به بالندگی نهایی می‌رسد. واقعیت تاریخی این است که هیچ جامعه‌ای بدون

پیام کهگیلویه‌وبویراحمد

آمبولاسی که از ظرفیت‌های استانی (منابع خیرین، اعتبارات تملک دارایی‌های استانی یا مسئولیت‌های اجتماعی صنایع) تأمین شود، سازمان اورژانس کشور و وزارت بهداشت نیز متعهد به تخصیص یک دستگاه آمبولانس دیگر به استان می‌شوند؛ این سیاست «تأمین مشارکتی» اهرم بسیار قدرتمندی برای ما است تا بتوانیم با سرعت بیشتری ناوگان فرسوده را نوسازی کنیم؛ از سوی دیگر، برای حفظ سرمایه‌های موجود نهضت «نگهداری و پیشگیری» را آغاز کرده‌ایم. ما به خوبی می‌دانیم که خرید آمبولانس به‌تنهایی کافی نیست؛ بنابراین برنامه‌ریزی برای سرویس‌های دوره‌ای منظم را در دستورکار داریم تا عمر مفید ناوگان فعلی را به حداکثر برسانیم و از هزینه‌های تعمیرات پیش‌بینی نشده بکاهیم.»

آموزش به مردم

او ادامه می‌دهد در این شرایط، آموزش کمک‌های اولیه به مردم می‌تواند از مرگ‌ومیرهای قابل پیشگیری تا حدود قابل‌توجهی جلوگیری کند: «آموزش همگانی (آموزش کمک‌های اولیه به عموم مردم) «خط اول اورژانس» است؛ بسیاری از مرگ‌ومیرها در حوادث نه به دلیل نبود آمبولانس، بلکه به دلیل عدم آشنایی مردم با اقدامات اولیه در دقایق طلایی رخ می‌دهد؛ اگر هر خانواده در استان ما حداقل یک نفر آموزش‌دیده در کمک‌های اولیه داشته باشد، بار بزرگی از روی دوش سیستم امدادی برداشته می‌شود و شانس بقای مصدومان چند برابر می‌شود. متأسفانه باید بگوییم در حال حاضر بزرگ‌ترین مانع اورژانس کهگیلویه‌وبویراحمد پایداری منابع مالی برای نگهداری زیرساخت‌ها و توسعه تجهیزات است؛ هزینه‌های نگهداری آمبولانس‌ها در جاده‌های کوهستانی بسیار بالا است و تأمین بودجه برای پروژه‌های زیرساختی مانند توسعه سروهای آسپار و ارتقای دیسچ نیزمند تخصیص اعتبارات ویژه و

حمایت‌های استانی و ملی است.»

مشکل آمبولانس‌ها تنها بخش کوچکی از مشکلات بخش بهداشت و درمان این استان است. ایرنا در خبری به نقل از رئیس «دانشگاه علوم پزشکی کهگیلویه‌وبویراحمد» نوشت: «بیش از ۹۰ درصد از مراجعه‌کنندگان در ملاقات‌های دردمی موضوع اشتغال در حوزه سلامت را مطرح می‌کنند.»

«سیدرقیه پناهی» ادامه داد: «بسیاری از کارکنان بخش خدمات و پشتیبانی دانشگاه علوم پزشکی خواستار انتقال به بخش اداری هستند که امکان چنین نقل و انتقال‌هایی وجود ندارد. به دلایل مختلف، بسیاری از همکاران شاغل در مراکز درمانی تمایل ندارند در رسته خدماتی و پشتیبانی باقی بمانند.»

۱۱ دستگاه جدید

او در مورد وضعیت آمبولانس‌های فرسوده نیز توضیح داد: «یک سال گذشته تاکنون ۱۱ دستگاه آمبولانس در استان وارد چرخه خدمت شده، اما همچنان برخی از آمبولانس‌های فرسوده در حال فعالیت هستند. با حمایت وزارت بهداشت و درمان و تلاش نمایندگان مردم کهگیلویه و بویراحمد در مجلس شورای اسلامی فرآیند تأمین آمبولانس برای جایگزینی تجهیزات فرسوده در حال انجام است. در توزیع آمبولانس‌ها تلاش شده مناطق مختلف استان مورد توجه قرار گیرد، اما با توجه به اینکه مرکز استان و بیمارستان‌های اصلی با ناوگان فرسوده مواجه است، به یاسوج توجه ویژه شده است. این به معنای نادیده گرفتن مناطق کمترتوسعه‌یافته نیست و آن مناطق نیز در دستور کار برای تأمین تجهیزات قرار دارند.»

او در مورد مشکلات بیماران خاص مانند بیماران سرطانی این استان، به‌ویژه در مناطق کم‌برخوردار، نیز توضیح داده بود: «عملیات ساخت مرکز شیمی‌درمانی بیمارستان امام خمینی هشت‌نیم‌با یک‌ماه خیران آغاز شده و چند روز گذشته نیز خیران برای تأمین تجهیزات بخش شیمی‌درمانی اعلام آمادگی کرده‌اند.» برخی تجهیزات دیگر مانند دستگاه‌های ام‌آرآی هم متناسب با جمعیت در استان وجود ندارد. به دلیل استفاده زیاد از این تجهیزات، در مواردی معیوب و چرخه خدمت‌رسانی آنان متوقف یا کند می‌شود که این موضوع را به‌عنوان یک اختلال در سیستم می‌پذیریم.»

صورت‌گرفته، علاوه بر اختصاص ۴ هزار میلیارد تومان برای حوزه بهزیستی، بیش از ۵ هزار میلیارد تومان منابع برای تکمیل طرح‌های پژوهشیی دهنشت و کچساران و یک‌هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان برای طرح توسعه کارخانه سیمان یاسوج مصوب شد است. او همچنین با اشاره به دستورویژه برای تعیین تکلیف زمین راگد «تأمین اجتماعی» در مرکز شهر یاسوج افزود: «این ملک در مسیر مولدسازی قرار می‌گیرد تا عواید حاصل از آن صرف تجهیز مراکز درمانی و مسکن کارگران شود.»

پایان دوران نگاه آمارای

رحمانی ضمن تقدیر از تحقق ۱۰۸ درصدی تعهدات اشتغال سال گذشته، بر ضرورت تغییر رویکرد از تسهیلات‌محوری به پایداری اشتغال تأکید کرد و گفت: «سامانه رصد اشتغال باید به‌صورت دقیق، از طریق اعلام فهرست‌های بیمه‌ای و پرداخت کسورات قانونی، واقعی‌بودن مشاغل را پایش کند و تسهیلاتی که منجر به ثبت‌نام در فهرست بیمه نشود، از نظر مدیریتی مردود است.»

او با ابراز نارضایتی از تحقق ۲۰ درصدی تعهد اشتغال سال جاری، خطاب به مدیران افزود: «کندی در ابلاغ تسهیلات به‌هیچ‌وجه قابل‌پذیرش نیست و دستگاه‌ها باید با حداکثر توان برای جبران این عقب‌ماندگی اقدام کنند.»

رحمانی با اشاره به اختصاص یک‌هزار و ۶۷۷ میلیارد تومان از محل جزء یک ماده ۹۵ قانون حمایت از تولید و اشتغال، با رشد ۴۰ درصدی نسبت به سال قبل، بر لزوم جذب ۱۰۰ درصدی این منابع تأکید کرد و هشدار داد: «هیچ بانکی حق ندارد عملکرد سال گذشته را بهانه‌ای برای سستی در سال جاری قرار دهد و بانک‌هایی که در فرایند پرداخت تسهیلات اشتغال‌زایی کوتاهی کنند، مورد بازخواست قرار می‌گیرند.»

او ادامه داد: «مدیران اجرایی باید با نگاهی تحول‌گرا و با استفاده از تمامی ظرفیت‌های قانونی، موانع پیش‌روی سرمایه‌گذاران را برطرف کنند تا استان، کهگیلویه و بویراحمد بتواند در مسیر توسعه، جایگاه واقعی خود را در کشور تثبیت کند.»

خبر |

چهار هزار هکتار باغ‌گردو در کهگیلویه وبویراحمد نیازمنداصلاح

مدیر امور باغبانی «سازمان جهاد کشاورزی کهگیلویه و بویراحمد» با اشاره به محلی بودن ارقام درختان گردوی استان گفت: پیوند سرشاخه‌زنی برای اقتصادی‌تر شدن باغستان‌ها ضروری است و چهار هزار هکتار از باغ‌های این محصول نیازمند عملیات اصلاح است.

به گزارش «ایرنا»، «نیرومند صیادی» گفت: طرح پیوند و سرشاخه‌زنی درختان گردو در کهگیلویه و بویراحمد آغاز شده و به میزان محدود انجام گرفته است، اما ادامه فرایند اجرا نیازمند تخصیص اعتباراست.

او بیان کرد: سه تیم متشکل از متخصصان برای انجام فرایند سرشاخه‌کاری و پیوند درختان گردوی کهگیلویه و بویراحمد مشارکت می‌کنند. مدیر امور باغبانی سازمان جهاد کشاورزی کهگیلویه و بویراحمد تصریح کرد:افزایش کیفیت و کمیت محصول گردو از مزایای سرشاخه‌زنی و پیوند درختان گردو در استان است.

صیادی عنوان کرد: استفاده از ارقام تجاری پرمحصول از طریق پیوند و سرشاخه‌زنی باعث کاهش خسارت سرمازدگی به باغ‌های گردوی کهگیلویه و بویراحمد می‌شود.

این مسئول در سازمان جهاد کشاورزی، با اشاره به اهمیت اصلاح درختان گردو و هزینه بالای تحقق این امر، از بهره‌برداران خواست در این زمینه اقدام و مشارکت کنند.

او میزان برداشت فعلی گردو را حدود سه تن در هکتار اعلام کرد و گفت: هدف‌گذاری شده است با توسعه ارقام پربازده و اجرای برنامه‌های اصلاحی، میزان تولید به حدود پنج تن در هکتار افزایش یابد.

صیادی اعلام کرد: استفاده از ارقام تجاری ساگار با اقلیم استان، استفاده از ژئوتپ‌های مقاوم به سرمای بهار، اجرای برنامه‌های تغذیه‌ای، هرس درختان خشکیده، مبارزه با آفات و ترغیب باغداران به پیوند و سرشاخه‌کاری از دیگر اقدام‌ها برای افزایش درآمد باغداران این محصول در کهگیلویه و بویراحمد است.

مدیر امور باغبانی سازمان جهاد کشاورزی کهگیلویه و بویراحمد همچنین از آغاز برداشت گردو در استان خبرداد.

صیادی عنوان کرد: برداشت گردو در مناطق مختلف کهگیلویه و بویراحمد، با توجه به شرایط آب‌وهوایی و زمان رسیدگی محصول، آغاز شده است و تا اواسط مهرماه ادامه دارد.

او گفت: پیش‌بینی می‌شود امسال حدود ۱۲ هزار تن محصول گردو از باغ‌های استان برداشت شود.

صیادی با اشاره به سطح زیر کشت درختان گردو در کهگیلویه و بویراحمد افزود: سطح باغ‌های گردوی استان چهار هزار و ۸۸ هکتار است که از این میزان، حدود سه هزار و ۹۶۰ هکتار سطح زیر کشت مستمر و بارده محصول می‌شود.

مدیر امور باغبانی سازمان جهاد کشاورزی استان، با بیان اینکه ارقام ژنتیک برتر، محلی، فریزو و تانر از ارقام غالب گردوی استان هستند، گفت: شهروستان‌های بویراحمد، دنا و مارگون بیشترین سطح زیر کشت گردو را در استان به خود اختصاص داده‌اند.

به گزارش ایرنا، نوسازی باغستان‌های گردو در استان از طریق پیوند و سرشاخه‌زنی برای افزایش درآمد بهره‌برداران این محصول ضروری است.

جمعی از کارشناسان بخش باغبانی جهاد کشاورزی کهگیلویه و بویراحمد می‌گویند یکی از اثربخش‌ترین روش‌های تحول اقتصادی و افزایش درآمد ارزی از طریق صادرات غیرنفی، افزایش تولید میوه‌های خشک به‌دلیل سهولت در نگهداری و صادرات است. این امر می‌تواند به‌جای ایجاد باغستان‌های جدید، با اصلاح باغ‌های موجود محقق شود.

این روزگاه که برداشت این میوه مغزدار در بیش از چهار هزار هکتار از باغستان‌های مناطق سردسیری در حال انجام است، ضرورت توجه به پیوند و سرشاخه‌زنی درختان گردو بیشتر نمایان شده است.

کارشناسان جهاد کشاورزی کهگیلویه و بویراحمد اعتقاد دارند باغ‌های گردوی این استان، به‌علت قدیمی بودن و اینکه بیشتر درختان آن‌ها از ارقام محلی هستند، درآمد مطلوبی برای بهره‌برداران ندارند.

آنان تأکید می‌کنند به‌جای حذف کامل درختان قدیمی، می‌توان با استفاده از پیوند سرشاخه‌کاری، تاج درخت را با ارقام مرغوب‌تر جایگزین کرد و از ظرفیت ریشه و ساختار موجود درخت بهره گرفت.

این کارشناسان با اشاره به اینکه استفاده از ارقام تجاری دیرگل و همچنین پیوند سرشاخه‌کاری درختان موجود از راهکارهای کاهش خسارت سرمازدگی درختان گردو است، تأکید می‌کنند حرکت به سمت ارقام دیرگل و مقاوم، کیفیت و یکنواختی محصول را نیز افزایش می‌دهد. سالانه ۳۰۰ هزار تن انواع میوه، شامل سیب، مرکبات، میوه‌های تابستانه و سایر میوه‌ها، در باغستان‌های کهگیلویه و بویراحمد تولید می‌شود.

بیش از ۴۰ هزار باغ در این استان وجود دارد.

قانون تخریب برای همه یکسان اجرا می شود؟

مدیرکل امور حقوقی و املاک «وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی» درباره جایگاه حقوقی و قانونی این وزارتخانه در مواجهه با تخریب بناهای تاریخی، مسئولیت دستگاه‌های اجرایی و شهرداری‌ها، وضعیت بناهای واجد ارزش تاریخی که هنوز در فهرست آثار ملی ثبت نشده‌اند و همچنین ضمانت‌های اجرایی قوانین مربوط به حفاظت از میراث فرهنگی توضیح داد.

«امید غنمی»، مدیرکل امور حقوقی و املاک وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، درباره جایگاه حقوقی این وزارتخانه در مواجهه با تخریب بناهای تاریخی و به‌ویژه تخریب «کاروانسرای روس‌ها (خانه تومانیان)» در سبزوار توضیحاتی داد و گفت: «اطلاعات نادرستی در کشور شکل گرفته که سبب شده مسئولیت وزارت میراث فرهنگی به‌اشتباه اطلاع‌رسانی شود. وزارت میراث فرهنگی طبق تکلیف قانونی خود، هر جایی را که تشخیص بدهد واجد ارزش است و امکان حفاظت و حرست از آن وجود دارد، در فهرست آثار ملی ثبت می‌کند. قانون‌گذار گفته است آثار واجد شرایط باید در فهرست‌های ذی‌ربط ثبت شوند.»

او افزود: «وزارت میراث فرهنگی نیز به اندازه توان خود، نیروی انسانی و اعتباراتی که در اختیار دارد، اقدام به ثبت آثار در فهرست آثار ملی می‌کند و تاکنون حدود ۴۰ هزار اثر را در این فهرست ثبت کرده است. برخی آثار نیز واجد ارزش تشخیص داده می‌شوند و در آینده، اگر تشخیص داده‌شود که امکان حفاظت از آنها وجود دارد، در فهرست آثار ملی ثبت می‌شوند. اما کاروانسرای روس‌ها اساساً در فهرست آثار ملی ثبت نشده بود. پوسته بیرونی این بنا که دارای ارزش معماری بود، واجد ارزش تاریخی شناخته شده و تحت حفاظت و حرست میراث فرهنگی قرار داشت.» غنمی در تکمیل این توضیح گفت: «این‌طور نیست که چون اثری در فهرست آثار ملی ثبت نشده، بنابراین هیچ ضابطه‌ای برای حفاظت از آن وجود نداشته باشد. شهرداری‌ها و تمام دستگاه‌هایی که در اجرای طرح‌ها، توسعه و عمران شهری دخالت دارند، زمانی که با آثار میراث فرهنگی مواجه می‌شوند، قانوناً مکلف‌اند نحوه اقدام درباره آن اثر را از وزارت میراث فرهنگی استعلام کنند. قانون نگفته است که اثر حتماً باید در فهرست آثار ملی ثبت شده باشد تا دستگاه‌ها نسبت به آن استعلام کنند.»

او اضافه کرد: «وقتی دستگاهی با یک اثر میراث فرهنگی برخورد می‌کند، باید از اداره میراث فرهنگی درباره نحوه اقدام نسبت به آن اثر استعلام کند. اینکه آیا می‌توان پروژه، طرح یا پیشنهادی را که مالک ارائه کرده است، اجرا کرد یا خیر ضوابط، نحوه و شیوه برخورد با آن اثر نیز از سوی اداره میراث فرهنگی منطقه به مرجع استعلام‌کننده اعلام می‌شود.»

مدیرکل امور حقوقی و املاک وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گفت: «در خصوص کاروانسرای روس‌ها نیز یکی دو سال قبل، شهرداری منطقه سبزوار از اداره میراث فرهنگی منطقه استعلام می‌کند، دقیقاً همان چیزی که عرض کردم، به شهرداری اعلام می‌شود؛ اینکه پوسته بیرونی این اثر واجد ارزش تاریخی است و باید حفظ شود و تخریب آن ممنوع است. این مسئولیتی بود که میراث فرهنگی بر عهده داشت و آن را انجام داده بود.»

او افزود: «بعد از اینکه تخریب انجام شد نیز بلافاصله اداره میراث فرهنگی از طریق پلیس ۱۱۰ و مراجع انتظامی اعلام جرم می‌کند. متعاقب آن، ادارکل میراث فرهنگی خراسان رضوی نیز علیه فردی که اقدام به تخریب کرده، اعلام جرم می‌کند و پرونده در دادسرا مطرح و در حال رسیدگی است. این همان مسئولیتی است که میراث فرهنگی دارد و آن را انجام داده است.»

غنمی اظهار کرد: «اینکه گفته شده باید بنا عین به‌عین اعاده شود، خواسته غایی و اصلی میراث فرهنگی، اعاده وضع به حالت اولیه است؛ اما اینکه چه مجازاتی برای فرد یا افراد متخلف در نظر گرفته شود، دیگر در اختیار ما نیست و قوه قضاییه» تشخیص می‌دهد که چگونه باید با موضوع برخورد کند.»

مدیرکل امور حقوقی و املاک وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در ادامه توضیح داد: «در خصوص ابزارهای قانونی نیز ما در این زمینه خلأ قانونی نداریم، آثاری که در فهرست آثار ملی ثبت می‌شوند، تحت حفاظت و به‌اصطلاح تحت شمول قوانین ناظر بر میراث فرهنگی هستند و چنانچه تخریب شوند، فرد مخرب با اقامه دعوا باید پاسخگو باشد و قانون‌گذار نیز برای این موضوع مجازات در نظر گرفته است. پیش از این، شکایت در خصوص جرم مربوط به میراث فرهنگی جزو جرم‌های قابل گذشت بود؛ یعنی میراث فرهنگی شاکی خصوصی قلمداد می‌شد و چنانچه سازمان میراث فرهنگی شکایت نمی‌کرد، دادستان نیز وارد رسیدگی نمی‌شد.»

غنمی افزود: «اما در قانون اصلاح مجازات اسلامی، جرایم مربوط به میراث فرهنگی جزو جرایم غیرقابل گذشت قرار گرفته است. بنابراین بلافاصله پس از تخریب، محاکم قضایی می‌توانند با دستور دادستان وارد رسیدگی شوند و با موضوع برخورد کنند. میراث فرهنگی نیز شکایت خود را انجام داده و موضوع را پیگیری می‌کند. بنابراین ما در این زمینه خلأ قانونی نداریم و مهم این است که قانون اجرا شود. اکنون نیز قوه قضاییه هماهنگی لازم را دارد و در زمینه حفاظت از میراث فرهنگی دستورهای خوبی صادر می‌کند. همان‌طور که در خصوص همین اثر اخیر نیز بازپرس پرونده دستور توقف را صادر کرده و قطعاً رسیدگی نیز انجام می‌شود.» ایسنا



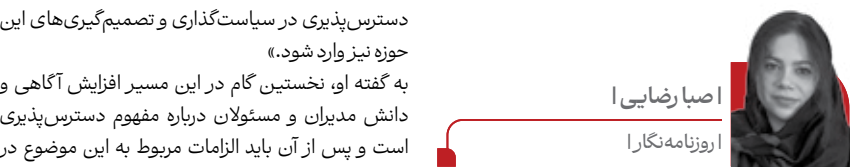
سید مریم نعل

مدیرعامل «انجمن فرهنگی، ورزشی و گردشگری معلولان پارس» در گفت‌وگو با «پيام ما» مطرح کرد

گردشگری معلولان در میانه استانداردسازی

گردشگری افراد دارای معلولیت در ایران همچنان با موانع زیرساختی، حمل‌ونقلی و فرهنگی مواجه است و با وجود برخی اقدامات در موزه‌ها، هتل‌ها و مراکز گردشگری، هنوز مقصدی کاملاً دسترسی‌پذیر در کشور وجود ندارد.

«محمداسماعیل شیخ‌قرایی»، مدیرعامل «انجمن فرهنگی، ورزشی و گردشگری معلولان پارس» و دبیر «میز گردشگری دسترسی‌پذیر» وزارت میراث فرهنگی، می‌گوید دسترسی‌پذیری تنها به ساخت رپ و مناسب‌سازی سرویس‌های بهداشتی محدود نمی‌شود و باید حمل‌ونقل، مبلمان شهری، مسیرهای ورود و خروج و فضاهای داخلی ساختمان‌ها نیز مناسب‌سازی شوند. او تأکید می‌کند این تغییرات به‌صورت مقطعی امکان‌پذیر نیست و نیازمند همکاری مرحله‌ای دستگاه‌های مختلف است. به گفته شیخ‌قرایی، گردشگری افراد دارای معلولیت، علاوه بر اهمیت اجتماعی، ظرفیت اقتصادی نیز دارد؛ چراکه این افراد اغلب همراه خانواده یا همراهان خود سفر می‌کنند. بااین‌حال، نبود حمل‌ونقل مناسب، اطلاعات کافی درباره مراکز دسترسی‌پذیر و استانداردهای فراگیر، همچنان سفر را برای این گروه دشوار و پرهزینه کرده است.



آسما رضایی

روزنامه نگار

محمداسماعیل شیخ‌قرایی، مدیرعامل انجمن فرهنگی، ورزشی و گردشگری معلولان پارس و دبیر میز گردشگری دسترسی‌پذیر «وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی»، معتقد است گردشگری ایران هنوز برای حضور و سفر افراد دارای معلولیت به شرایط مطلوب نرسیده است. به گفته او، مشکلات زیرساختی و عمرانی شهرها به‌اندازای گسترده است که نمی‌توان انتظار داشت همه موانع در مدت کوتاهی برطرف شوند و دسترسی‌پذیری باید به‌صورت مرحله‌ای و با همکاری دستگاه‌های مختلف دنبال شود.

او می‌گوید: «چند سالی است موضوع دسترسی‌پذیری در ایران مورد توجه قرار گرفته، اما هنوز نمی‌توان گفت همه شرایط برای حضور و سفر افراد دارای معلولیت فراهم است. دولت باید این روند را قانچه‌فاز پیش ببرد و از مسائل پایه‌ای مانند ورودی ساختمان‌ها و دسترسی به فضاهای داخلی آغاز کند. اگر قرار باشد همه مشکلات به‌صورت یک‌پار حل شود، چنین کاری امکان‌پذیر نیست.»

شیخ‌قرایی ایجاد میز گردشگری دسترسی‌پذیر را یکی از اقدامات مهم در این حوزه می‌داند و می‌افزاید: «این میز در کنار وزارت میراث فرهنگی به‌عنوان مشاور فعالیت می‌کند و تعدادی از انجمن‌های افراد دارای معلولیت نیز در آن حضور دارند. علاوه بر این مجموعه، تنها پیگیری مناسب‌سازی فضاهای گردشگری نیست، بلکه تلاش می‌شود موضوع

طرح الحاق حریم درجه ۲ «تخت جمشید» به شهر مرودشت بازنگري می شود

بازنگری طرح الحاق حریم درجه ۲ تخت‌جمشید به شهر مرودشت در «شورای عالی شهرسازی و معماری ایران» به اتفاق آرا تصویب شد. موضوع حریم درجه ۲ تخت‌جمشید و نحوه هم‌افزایی آن با شهر مرودشت، روز دوشنبه ۳۰ شهریور در دوازدهمین جلسه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، با حضور «فرزانه صادق»، وزیر راه و شهرسازی، «غلامرضا کاظمیان شیروان»، معاون شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی و دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، اعضای شورا و «علی دارابی»، قائم‌مقام وزیر و معاون میراث فرهنگی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، مطرح شد و ابعاد مختلف آن مورد بررسی قرار گرفت و دستورات لازم در این زمینه اتخاذ شد.

ضوابط میراث فرهنگی و محدودیت ارتفاع ۸.۵ متر باید رعایت شود

معاون شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی و دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، با تشریح وضعیت طرح جامع شهر مرودشت گفت: «طرح‌های جامع در دو مرحله تهیه می‌شوند و مرحله نخست طرح جامع مرودشت سال گذشته در شورای عالی شهرسازی و معماری مطرح شده است. مرحله دوم این طرح که در حال مطالعه است، هنوز تکمیل نشده و به شورای عالی ارجاع نشده است.» کاظمیان شیروان با اشاره به موضوع حریم درجه ۲ تخت‌جمشید افزود: «در ساخت‌وسازهای محور تخت‌جمشید، تمامی ضوابط میراث فرهنگی باید رعایت شود، و از جمله محدودیت ارتفاع ۸.۵ متر نیز باید به‌طور کامل مورد توجه قرار گیرد.»

معاون شهرسازی و معماری وزارت راه و شهرسازی و دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، با تشریح وضعیت طرح جامع شهر مرودشت گفت: «طرح‌های جامع در دو مرحله تهیه می‌شوند و مرحله نخست طرح جامع مرودشت سال گذشته در شورای عالی شهرسازی و معماری مطرح شده است. مرحله دوم این طرح که در حال مطالعه است، هنوز تکمیل نشده و به شورای عالی ارجاع نشده است.» کاظمیان شیروان با اشاره به موضوع حریم درجه ۲ تخت‌جمشید افزود: «در ساخت‌وسازهای محور تخت‌جمشید، تمامی ضوابط میراث فرهنگی باید رعایت شود، و از جمله محدودیت ارتفاع ۸.۵ متر نیز باید به‌طور کامل مورد توجه قرار گیرد.»

او توضیح می‌دهد: «وقتی حمل‌ونقل مناسب وجود نداشته باشد، هرقدر هم یک ساختمان را مناسب‌سازی کنیم، مشکل فرد حل نمی‌شود. اگر فرد نتواند از خانه خارج شود و خود را به مقصد برساند، بهترین فضای مناسب‌سازی‌شده نیز برای او قابل استفاده نخواهد بود. بنابراین باید حمل‌ونقل، دسترسی درون‌ساختمانی، دسترسی بیرون‌ساختمانی، مبلمان شهری و حتی تفکر و رفتار افراد را در کنار یکدیگر دید.»

شیخ‌قرایی برای توضیح این موضوع به یک مثال ساده اشاره می‌کند و می‌گوید: «ممکن است برای یک ساختمان فیزیکی نیست و اگر نگاه و رفتار افراد تغییر نکند، حتی بهترین اقدامات عمرانی نیز نمی‌تواند دسترسی‌پذیری واقعی ایجاد کند.»

او تأکید می‌کند: «باید میان مناسب‌سازی و دسترسی‌پذیری تفاوت قائل شویم. مناسب‌سازی فقط ایجاد یک امکان فیزیکی نیست و اگر نگاه و رفتار افراد تغییر نکند، حتی بهترین اقدامات عمرانی نیز نمی‌تواند دسترسی‌پذیری واقعی ایجاد کند.»

موزه‌ها و بناهای تاریخی هنوز با شرایط مطلوب فاصله دارند

شیخ‌قرایی درباره وضعیت موزه‌ها و اماکن تاریخی نیز می‌گوید: «در بعضی موزه‌ها برای افراد نابینا و کم‌بینا یا افراد دارای معلولیت جسمی و حرکتی اقداماتی انجام شده است و نمی‌توان این اقدامات را نادیده گرفت. خود من نیز در بخش دآوری برخی موزه‌ها حضور داشته‌ام و در بخش مربوط به افراد دارای معلولیت، پیشرفت‌هایی را مشاهده کرده‌ام.»

بااین‌حال، او تأکید می‌کند که این اقدامات هنوز فراگیر نشده است و ادامه می‌دهد: «وقتی درباره کل کشور صحبت می‌کنیم، هنوز کار زیادی باقی مانده است. اگر از ا موزه در تهران، دو موزه مناسب‌سازی شده باشند، نمی‌توان این وضعیت را به کل کشور تعمیم داد. برای مجموعه‌های هنری، گالری‌ها و موزه‌ها نیز باید الزامات دسترسی‌پذیری در نظر گرفته شود.»

به گفته شیخ‌قرایی، مسئله دسترسی‌پذیری فقط مربوط به گروه کوچکی از جامعه نیست و بخش قابل‌توجهی از جمعیت به چنین امکاناتی نیاز دارند. او با اشاره به جمعیت افراد دارای معلولیت و سالمندان می‌گوید: «حدود ۱۵ درصد جمعیت افراد دارای معلولیت هستند و حدود ۱۵ تا ۱۶ درصد نیز سالمند هستند. بنابراین بخش بزرگی از جمعیت کشور به دسترسی‌پذیری نیاز دارند و باید برای آنها برنامه داشته باشیم.»

گردشگری دسترسی‌پذیر فقط یک مسئله اجتماعی نیست

او معتقد است توجه به گردشگری افراد دارای معلولیت از نظر اقتصادی نیز اهمیت دارد و می‌گوید: «اگر جنبه اقتصادی موضوع را در نظر بگیریم، اهمیت گردشگری افراد دارای معلولیت بیشتر مشخص می‌شود. یک فرد دارای معلولیت معمولاً تنها سفر نمی‌کند و ممکن است سه یا چهار نفر همراه داشته باشد. بنابراین وقتی یک هتل، رستوران، موزه یا مجموعه تفریحی از یک فرد دارای معلولیت استقبال می‌کند، در واقع ممکن است یک خانواده را جذب کرده باشد.»

شیخ‌قرایی هزینه سفر برای افراد دارای معلولیت را نیز بیشتر از سایر گردشگران می‌داند و توضیح می‌دهد: «یک فرد غیرمعلول می‌تواند با اتوبوس، هواپیما یا تاکسی جابه‌جا شود، اما فردی که از ویلچر استفاده می‌کند باید وسیله‌ای پیدا کند که امکان حمل ویلچر را داشته باشد. حتی فردی که با عاضا حرکت می‌کند نیز باید بتواند به راحتی سوار و پیاده شود.»

او ادامه می‌دهد: «بعضی از تاکسی‌های ما دوگانه‌سوز هستند و امکان حمل ویلچر را ندارند. بنابراین فرد دارای معلولیت فقط با یک مشکل فیزیکی مواجه نیست، بلکه از نظر اقتصادی، مسیر و زمان نیز با هزینه و دشواری بیشتری روبه‌رو می‌شود.»

هتل‌های جدید باید از ابتدا دسترسی‌پذیر ساخته شوند

شیخ‌قرایی درباره وضعیت هتل‌ها و تأسیسات اقامتی می‌گوید: «بسیاری از هتل‌های موجود از سال‌های قبل ساخته شده‌اند و اگر بخواهیم همه آنها را به‌صورت کامل تغییر دهیم، هزینه زیادی خواهد داشت. بنابراین راه حل هتل‌های جدید و تأسیسات تازه از ابتدا ملزم به رعایت

برخی جوامع محلی، دوستداران و فعالان میراث فرهنگی شد. تلاش ما این است که صدای جوامع محلی و نهادهای مرتبط بهتر شنیده شود.» دارابی با اشاره به طرح مرحله دوم و برخی ابهامات مطرح‌شده درباره الحاق «شهرک مهدیه» گفت: «ابلاغ طرح مرحله دوم که طرح ویژه است، انجام شده و برخی پرسش‌ها درباره الحاق شهرک مهدیه و همچنین اطلاع‌رسانی‌های ناقص، زمینه طرح دغدغه‌ها و نگرانی‌های ما فراهم کرده است.» او با تأکید بر ضرورت نگاه همزمان به حفاظت و توسعه گردشگری منطقه تصریح کرد: «امروز در وزارت میراث فرهنگی شعار «هر روستا یک بوم‌گردی» را مطرح کرده‌ایم و باید ببینیم چگونه می‌توان ظرفیت‌های منطقه را به مقصد گردشگری تبدیل کرد و از این طریق زمینه توسعه پایدار و بهره‌مندی جوامع محلی را فراهم آورد.»

دارابی خاطرنشان کرد: «درخواست ما این است که فرصت لازم از سوی شورای عالی شهرسازی و معماری فراهم شود تا همه جوانب موضوع را با دقت بیشتری بررسی کنیم و در این فرایند، صدای دغدغه‌مندان و جوامع محلی را بهتر بشنویم.»

طرح جامع مرودشت هنوز تصویب نشده است

وزیر راه و شهرسازی نیز در این جلسه با تأکید بر اینکه طرح جامع مرودشت هنوز نهایی، تصویب و ابلاغ نشده است، گفت: «طرح جامع هنوز تمام نشده و ابلاغ شده است و باید تمامی نقطه‌نظرات انجمن‌ها و کارشناسان اخذ شود تا طرح جامع مرودشت غنی‌تر شود.»

صادق افزود: «لازم است جلسات ویژه‌ای در این زمینه برگزار شود و نقطه‌نظرات کارشناسی در طرح جامع مرودشت منعکس شود؛ حساسیت تخت‌جمشید نیز باید در این طرح تأثیر خود را نشان دهد.»

وزیر راه و شهرسازی با اشاره به ضوابط حریم تخت‌جمشید تصریح کرد: «براساس قوانین و ضوابط

استانداردهای دسترسی‌پذیری باشند.» او درباره ساختمان‌های موجود نیز بر اجرای تدریجی اقدامات تأکید می‌کند و می‌افزاید: «نمی‌توان انتظار داشت همه مشکلات یک ساختمان در یک مرحله حل شود. می‌توان برای مثال در یک سال سرویس‌های بهداشتی هتل‌ها و رومپ‌های ورودی را به استاندارد قابل‌قبول رساند و در سال‌های بعد مراحل دیگری را اجرا کرد تا طی هفت یا هشت سال به یک استاندارد مناسب رسید.»

از نظر او، چنین رویکردی هم از نظر اجرایی امکان‌پذیرتر است و هم هزینه‌های مناسب‌سازی را برای مجموعه‌های موجود قابل‌مدیریت‌تر می‌کند.

گردشگران خارجی دارای معلولیت نیز با موانع جدی مواجه‌اند

این فعال حوزه گردشگری درباره گردشگران خارجی دارای معلولیت می‌گوید: «برای برخی افرادی که از ما درخواست می‌کنند، خدمات و راهنمایی لازم را ارائه می‌کنیم، اما مشکلات زیادی وجود دارد. هنوز وسایل حمل‌ونقل مناسب شهری و بین‌شهری به‌اندازه کافی نداریم که بتوان یک فرد دارای معلولیت را به‌راحتی از تهران به شهر دیگری منتقل کرد.»

او یکی دیگر از مشکلات را نبود اطلاعات دقیق درباره هتل‌ها می‌داند و می‌گوید: «هتل‌ها اطلاعات منسجم و دقیقی درباره میزان دسترسی‌پذیری خود ندارند که مشخص باشد کدام هتل استاندارد است و کدام نیست. اگر گردشگر خارجی دارای معلولیت بخواهد به ایران سفر کند، معمولاً باید با انجمن‌ها یا افراد متخصص در تماس باشد تا بتوان مناسب‌ترین گزینه‌ها را برای او پیدا کرد.»

به گفته شیخ‌قرایی، نبود چنین اطلاعاتی فقط انتخاب محل اقامت را دشوار نمی‌کند، بلکه برنامه‌ریزی کل سفر را برای گردشگر دارای معلولیت با مشکل مواجه می‌کند.

دسترس‌پذیری نیازمند عزم ملی است

شیخ‌قرایی تأکید می‌کند که حل مشکلات دسترسی‌پذیری تنها بر عهده وزارت میراث فرهنگی نیست و وزارت «دستگاه‌های دولتی، هتل‌ها، اتحادیه‌ها و وزارت میراث فرهنگی به دنبال دسترسی‌پذیر کردن مسیریها هستند، اما این کار به تنهایی امکان‌پذیر نیست و نیاز به عزم ملی دارد.»

او یکی از اقدامات مهم وزارت میراث فرهنگی در سال‌های اخیر را وارد کردن افراد دارای معلولیت به فرایند تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی می‌داند و می‌افزاید: «از زمانی که میز گردشگری دسترسی‌پذیر ایجاد شده، اقدامات مختلفی انجام شده است. امسال نیز کتابی درباره گردشگری افراد دارای معلولیت تدوین کرده‌ایم که خود من مؤلف آن بودام.»

به گفته او، این کتاب می‌تواند برای راهنمایان گردشگری مورد استفاده قرار گیرد و اطلاعاتی درباره نحوه برخورد با افراد دارای معلولیت، مناسب‌سازی، تجهیزات و موضوعات مرتبط در اختیار آنها قرار دهد. شیخ‌قرایی این مجموعه را اقدامی جدید در این حوزه می‌داند و می‌گوید: «مسیر هنوز کند و دشوار است و به یک شتاب‌دهنده نیاز دارد، اما ما امید داریم.»

شهرداری‌ها نیز باید در زنجیره دسترسی‌پذیری نقش داشته باشند

شیخ‌قرایی درباره نقش شهرداری‌ها نیز می‌گوید: «شهرها باید مناسب باشند و شهرداری‌ها نقش مهمی در این زمینه دارند. پایان کار ساختمان‌ها در نهایت از سوی شهرداری صادر می‌شود و اگر مناسب‌سازی در این مرحله به‌صورت جدی مورد توجه قرار گیرد، بخش زیادی از مشکلات کاهش پیدا می‌کند.»

او تأکید می‌کند: «موضوع دسترسی‌پذیری نیازمند همکاری شهرداری، وزارت راه، وزارت رفاه، وزارت میراث فرهنگی، سازمان‌های مهندسی، آموزش و پرورش و سایر دستگاه‌هاست. یک دستگاه به تنهایی نمی‌تواند این نقش را حل کند.»

از نگاه او، زمانی می‌توان از گردشگری دسترسی‌پذیر سخن گفت که این موضوع از یک اقدام محدود در چند ساختمان و مرکز گردشگری فراتر برود و از زمان خروج فرد از خانه تا رسیدن به مقصد، اقامت، بازدید و بازگشت او، تمام زنجیره سفر در نظر گرفته شود. به همین دلیل، دسترسی‌پذیری نیازمند برنامه‌ای مستمر است که هم زیرساخت‌ها و هم شیوه تصمیم‌گیری و نگاه جامعه را دربرگیرد.

میراث فرهنگی، در حریم درجه یک تخت‌جمشید ساخت‌وسازی انجام نشده است و در حریم درجه ۲ نیز تا آنجا که ضوابط میراث اجازه داده، امکان ساخت‌وساز تا ارتفاع ۸.۵ متر وجود دارد، هرچند حتی شرایط خاک مرودشت نیز محدودیت‌هایی را در این زمینه ایجاد می‌کند.»

صادق با بیان اینکه مرودشت از جمله شهرهایی است که برای توسعه شهری با محدودیت جدی در زمینه گسترش مواجه است، گفت: «دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری و وزارت میراث فرهنگی فرایند بررسی طرح جامع را طی کرده‌اند، اما این طرح هنوز به تصویب نرسیده است.» او افزود: «برای «یونسکو» باید به‌صورت روشن توضیح داده شود که هیچ اتفاقی خلاف ضوابط میراث فرهنگی نیفتاده است و در عین حال، حفظ میراث و محوطه‌های تاریخی بسیار مهم‌تر از ضوابط ناکارآمد است و باید ضوابط متناسب با شرایط و الزامات روز مورد توجه قرار گیرد.»

وزیر راه و شهرسازی با اشاره به ضرورت سامان‌دهی مسیر دسترسی به تخت‌جمشید گفت: «ورود از شهر مرودشت به سمت تخت‌جمشید نیازمند خدمات پشتیبان گردشگری در چارچوب ضوابط میراث فرهنگی پیش‌بینی و ارائه شود.» صادق تأکید کرد: «طرح جامع مرودشت هنوز مصوب نشده و آنچه در این مرحله وجود دارد، سند خط محدوده است.»

او با اشاره به محدوده مورد بحث در حریم درجه ۲ تخت‌جمشید گفت: «حدود ۱۷۰ هکتار در حریم درجه ۲ قرار دارد که صرفاً دارای حریم ارتفاعی است.» وزیر راه و شهرسازی با تأکید بر جایگاه فراملی تخت‌جمشید اظهار کرد: «تخت‌جمشید متعلق به همه ما و متعلق به کل دنیاست و صیانت از آن نیازمند نگاه مشترک و همکاری همه دستگاه‌هاست.»

